

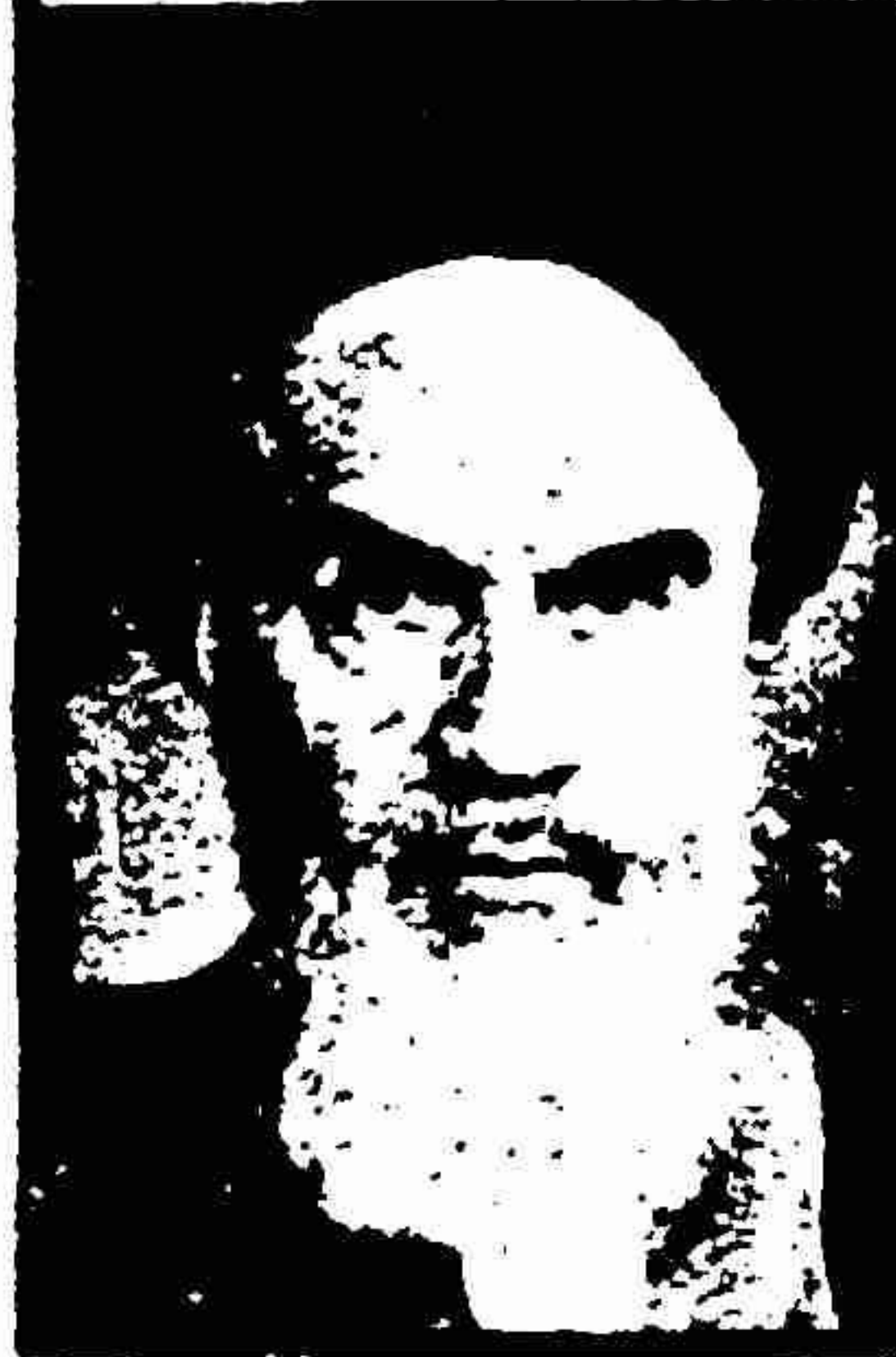


ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۲۳۳  
دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۵۹ ، مطابق با  
۸ مهر ۱۳۰۱ ، شماره ۱۵ ، دال

امام خمینی:

اگر مردم تنها باشند، میشکندشان. آنیکه آسیب بردار نیست، آنست که همه قوا باهم باشند



است که انگلستان از ۲۰۰ سال پیش از این و یا بیشتر طرز حریزی کردند که جدا کنند روحانیت را از سیاست. جدا کنند روحانیت را از مردمی که میخواهند انقلاب کار کنند برای اسلام. اینها بودند همان قوی سجدها بنشینند و دعا بکنند آنها هم هر کاری دلشان میخواست بکنند و هر چهار لکری و هر سلطهجویی که میخواهند بکنند. در مرض ۵۰ ساله که روحانیت را عقب زده بودند و هر چه حدیث میکردند نمیتوانستند که کاری انجام بدهند. از باب اینکه مردم را از

و اینها، این همان طرز است که آمریکا فتنه اش را دارد و انگلستان هم از سابق داشته است و الان هم همه دولتایک، اینها قدرتهایی که میخواهند ایران را بپایند و تفرق را بپایند و از اسلام بترسند از ظاهر اسلام میترسند این همان طرز است و من متاسفم که این طرز درم دارد انجام میگردد اگر بازاری تم، بازاری تهران با این حرف موافق است. مسیبت بسیار زیاد است برای اینکه طرخان پیاده شود و اگر بازاری تهران و تم یا این موافق نیستند چطور صحبت نکرده اند این همان طرز

مردمشان آن فتنه است که طرح شعار است برای شان و مردم میخوانند پیاده کنند آنها. آزاد باشم به هر چیزی از شعار اسلامی که هستی، بپایند. آزاد باشم که در دانشگاهها آن شعارهایی که همه اش به ضد قرآن است بنویسم. آزاد باشم که با همه شعاری اسلامی مخالفت کنم. آزاد باشم که هر چه دلمان میخواست بپایند، بپایند روحانی، باشد مومنین، متدینین بکیم. بعد اجتمعی درست کنند و جدا کنند یکی یکی طوایف را از هم. امروز طرخان اینست که روحانیت باید بیرون رود و ما بکنند

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دیروز در برابر قایق الحیالان دانشکده انسانی، سخنان مهمی ایراد کردند. امام خمینی لرحمله گفتند: این همه بیزی خورده جمع میشوند و در دم که سرگز روحانیت است، مرکز اسلام است. قطنامه صادر میکنند و در آن قطنامه است که روحانیت نباید آزادی مخلوق باید باشد یکمسته نسیم هم میگویند باید این چیزها باشد اینها ضحوشان اینست نیست که آزاد بمانیم. اینها

فاجعه گرینلا: حماسه ای از یک کار حق با باطل

پلاتون از الحاق لایممل به و این باطل لایتمانی هند؟ فاسی لا اری الموت الا سعاده والعیاض انظالمین الابراء (یعنی: ایمنی بیند که بحق عمل نمی کنند و از باطل روگردان نیستند؟ پس من مرگ را (در چنین شرایطی) جز خوشبختی و زندگی یا متمکاران را جز ننگ نمی شمارم.) از سخنان حسین بن علی در کربلا روز هاشوراه.

در تاریخ بارها دیدیم است که در جریان صید فداکاری و امری حق را دنبال می کنند. می توانند آذخشی از شجاعت و از خود گذشتگی بوجود آورند که همه راه، حشورترین و بیچیز ترین جویبارها را، مشتمل کند. رویاروی حسین با یزید، و سپس بازماندگانی با این قدرت طاغوتی، حماسه گسترده ای در تاریخ است. در برجامین حمله، کشور ما نصیبت ولستقلال خود را در قبال خلفه اموی و بنی عباسان از دست داد. حیدر کاران فلسفی حفظ کرد. باین جهت حسین بن علی در نزد ما مردم ایران از جبهات مختلف عزیز است.

اربع می گرفتند. حریفان زیدریلی (از قبیله بنی ریاح) که با سپاهی جبهه در محلی بنام نوحه، راه را بر حسین از جانب این زیاد بر بسته چنان جهت تاثیر شخصیت انقلابی حسین واقع شد که با یزید و با دلوری در راه امر حق حسین کشته شد. وقتی حسین کشته او را دیده این اشعار را خواند: **فهم انهره حریتی ریاح! صبور غنم مشتک اریاح. و لم الحز انذلای حینا! فهد به فقه هنداصباح.** یعنی: فری بر من، زهری که این حر از قبیله بنی ریاح، که وقتی شبکه ای از تیرها بر روی من فرود آمد، چنین شکلیا بودا زهری بر من که وقتی حسین را اندا در راه تا پای جان خود ایستاد. **نوفه دیگر از قایر شطاب.** کشته شخصیت حسین، روش کسانی بود که همراه او ماندند و شید فتنند حسین بسیار اسرار و زید که این اسرار سرخوردند و باخته شدند. سرخوردند ولی او خواهد ماند. وظیفه خود را انجام دهد. آنها نپذیرفتند. از جمله فرزندان سلیمین قیل چنین گفتند: **ای فرزند رسول! ما چگونه تباوت ده کنیم و به خیال زدگی چندی از این مکان بیرون برویم؟ از چنین کاری تفرق داریم. در رکاب تو یا لعنه خواهیم چکید و با خود تمام سروش را که تو می پذیری می پذیریم و چاهای خود را سر تو قرار میدهم و با تو به آنجا میرویم که تو میروی.** و یا مسلمین حوسبه، این سخنان لرزاننده را بر زبان بردند: **هرگ چیست؟ اگر شخصی عقیده خود را از دست بدهد، ننگ و خاموشی بزرگ است و اگر در راه ایمان خود فتنه شود، سرفرازی و جودا ننگی.**

روز جمعه دم محرم سال ۶۱ هجری قمری، حسین بن علی، امام سوم شیعیان را پانزدهمین ماه، ماه محرم، غنم پلید مستور هجری سلیمان، با پارانش در گرینلا، در جنگی غمناک، سر بریده و واقعه یومالطیفه از آن تاریخ، یکی از شورا انگیزترین قایقهای حق و باطل شناخته شد و سلیمانان، یوزره شیخ آل علیه سببهای دراز است که ایام عاشورا را با یاد جانبازی حسین و اهل بیت درستان و همراهش برگزار میکنند.

حزب توده ایران از جانب آغاز بیعتی خود، ستوده حسین را از دیدگاه سب، از دیدگاه مبارزه حق و باطل، برپا داشت. اسناد آن روزنامه ای جزئی از سال ۱۳۲۰ تا امروز موجود است. این اسناد پسخ ومان شکنی است به کسانی که میخواستند به تحریکات فریبدهی بین انقلابیون راستین، اسم از مسلمانان مبارز و سرفرداران سوسیالیسم پسند، بگردانند. بیاتانده تا بسود زیدمان این عصر حتمی کرده باشند.

حکومت فاسد و جانی زمین - محرمه، اتحاد ایتر چان، محسیم سراپا آنگه ای بود که ویبا چشم باز گرفته بود. موقی که محرمه، بر خلاف تمامه اسلام، زید را ولیمه خود حسین کرده، حسین آنگارای مخالفت خود را اعلام داشت. وقتی زید بخلینند و از حسین بیعت خواست، حسین مردانه سر باز زد. **مکانیکه حسین بسوی کوفه حرکت کرد، تا با یاری شیخ آل علیه، با یزید مقابله کند.** کدرش از روی ناپسندگی بود. میگویند ناممقی با ۸۰ هزار انضام آمده بود. دوستان نزدیک حسین مانند ابوسعید واقفی و زوایتین صالح به حسین اسرار کردند که، پانچ امضاها اعتدال است و لذا از رفتن به کوفه خودداری ورزد. ولی حسین فریب انضام کسی را نخورد. بود لو قصد دیگری داشت. حسین در روز حرکت به کوفه اشعاری خواند **باین منسوب: من میروم و هر گ برای مردان ننگ نیست، بوزم اگر ادرینش حقیقت و لیت او جهید است. مردان لیک جان خود را ایثار می کنند تا به هکتری پانچ کاران گرفتار نیانند.** آیا این سخنان نشان میدهد که حسین در سفر خود به کوفه، کوچکترین نمانده در راه آن چند خورجین نامهای دعوت، که همراش بود، ندانست؟ حسین، سلیمین قیل، پسر موسی خود را برای سنجش لوشاع به کوفه فرستاده بود. مستگاه یزید مسلم و فرزندانش را نابود کرد. حادوه مسلم و روش کوفیان (فصری) که مرکز شیعه بود) نشان داده بود که به وعده های دلنریب امتدای نیست. ولی حسین میخواست با رویارویی فداکارانه خود درسی بدهد. نوبه ای ارائه کند. لذا حسین بدینا یقینا نبوه بدینا **ایضا نوشته بود: افرادی که در امران حسین بودند، از روش و روحیات او**

مردان من، امروز هراختلای به فتح آمریکا و دیگر اجابت است. این جانب و همه ملت از ستهز که شما برادران کرد در طول حکومت استبدادی شده است و از تبعیضاتی که برخلاف اسلام بر شما روا داشته اند، اطلاع هست. شما برادران میدانید که کوسری و عمرات در محیطی که آفته است و مردم درلمان نیستند، مشکل یا غیر ممکن است. شما برادران عزیز گوش کنید و آرایش را حلق کنید و بیایید که با آزادی کارها اصلاح میشود. طز هیلت ویژه میخواهم که بهمنگرات خود با کمال حسویت ادامه دهند و با شخصیت های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند تا آیین خواستهای آنان که خواست ما نیز هست، مایر دلخواه شوند. **اسلام بزرگ تمام تبعیضها را محکوم نموده و برای فتح گروهی و بزرگی خاصی قرار نداده و تقوی و تقید به اسلام تنها کرامت انانیت و در تمامه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی معلق به تمام قشرهای ملت است و منجمه برادران کرد، که دولت جمهوری اسلامی موقت و مصلحت به کفین آن در سریع وقت میباشد و مقررات و قوانین مربوط به آن بزودی انتظامه عالی تقدیم میشود.** منوهران و برادران همبین دوسر اسر کشور، من دست خود را پیش شما دراز می کنم و از شما بظنر خدا و اسلام و کشور عاجزانه می خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار آورید و سلسله های سرد و گرم، پتی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری بروی یکدیگر منحرف و بسوی دشمنی انانیت، که در داس آن آمریکاست، نشانه روید. (از پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان - مورخ ۲۶ آبان ۱۳۵۸) **جبهه در صفا ۸**

به مناسبت سالگرد پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان

حل مسالمت آمیز و عادلانه مسئله کردستان همچنان در دستور روز انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است

نورالدین کیانوری «پرسش و پاسخ» درباره عمل گسترش و تشدید حملات اخیر لیبی اها **جلسه توجیهی پرسش و پاسخ روز ۱۳۲۲ بان ۱۳۵۸** با شرکت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهای طرح شده از سوی شرکت کنندگان در جلسه پاسخ گفت. **پیشن اول** دیروز پانچ رسیده بخش دوم شماره امروز درج میشود و بقیه در شماره های آینده درج خواهد شد. **صفحه ۷**

به گزارش صدای جمهوری اسلامی ایران، محسن رضایی عضو شورای فرماندهی پاسداران: «جناحی که مزدوران بنی عراق در هویزه مرکب شده اند، از جنایت هیتلر نیز فجع تر بوده است.» **جبهه در صفا ۸**

رزمندگان دلیر جمهوری اسلامی ایران، ضربات دیگری بر تجاوزگران صدامی وارد آوردند

مزدوران جنایتکار صدام با استفاده از بمبهای آتشزا و شیمیایی سوسنگرد را مورد حمله فرار دادماند. محسن رضایی عضو شورای فرماندهی پاسداران: «جناحی که مزدوران بنی عراق در هویزه مرکب شده اند، از جنایت هیتلر نیز فجع تر بوده است.» **جبهه در صفا ۸**

آیت الله سید محمد باقر حکیم، رئیس جامعه جدید التامیس روحانیت مبارز عراق:

برای سرنگونی رژیم صدام با کلیه گروههای مبارز همکاری میکنیم

آیت الله سید محمد باقر حکیم، رئیس جامعه جدید التامیس روحانیت مبارز عراق، در گفتگویی نقله نظرهای خود را در مورد نقش روحانیون عراق، چگونگی استفاده از روش مبارزه مسلحانه و کیفیت همکاری با نیروهای مختلف بیان کرد. ایشان در مورد همکاری نیروها، از جمله گفتند: «... حال که هدف اصلی برافرازی طاقت است، پس ما با تمام نیروهای فداکار، وفادار، بی غش و غیر وابسته به استعمار و امپریالیسم، که در میدان نبرد، هکتری خواهیم کرد و با تمامی گروههای وفادار، چه مسلمان و چه غیر-اسلامی، که تابیر انتهایان معتقد به حق ملت در قیام سرخوش خویش میباشند، آماده همکاری هستیم» (منتقل از اطلاعات، ۲۵ اردیبه ۵۹)

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



# یازدهمین و صدیقمردم و دانشجویان ایران!

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان پس از کودتای فاشیستی پینوشه در شیلی، کارزار وسیع هستیکی با خلق و جوانان و دانشجویان شیلی را، زیر شعار «در دانشگاه - مرکز هستیکر با شیلی است» سازمان داد.

## «اتحادیه بین‌المللی دانشجویان» پشتیبان صدیق و دیرین مبارزات مردم ایران

از بدو پیدایش اتحادیه بین‌المللی دانشجویان، دانشجویان مرفی ایران در آن شرکت فعال داشته‌اند. در دوران پیش از کودتای امریالیستی ۲۸ مرداد تا سالها پس از آن، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، عضو این اتحادیه بود. پس از آن «کنفدراسیون» به عضویت آن در آمد، ولی نفوذ گرایشهای مائوئیستی و رخنه‌مومل سیا و ساواکند کنفدراسیون، منجر به انحلال و تلاشی کنفدراسیون و خروج آن از اتحادیه بین‌المللی دانشجویان گردید. از سال ۱۳۵۴، با تأسیس سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، این سازمان به عضویت اتحادیه بین‌المللی دانشجویان درآمد.

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان از بدو تأسیس همواره و در همه شرایط پشتیبان صدیق مبارزات حق‌طلبانه مردم دانشجویان ایران بوده است. قبل از انقلاب، سمینارها، اجلاس‌ها و گردهمایی‌ها بین‌المللی و منطقه‌ای اتحادیه، برای دانشجویان انقلابی ایران، همواره محلی برای افشای ماهیت امریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن (رژیم شاه سابق) به توده‌های دانشجویی سراسر جهان و بسیج‌هستیکر بین‌المللی دانشجویان با مبارزات مردم و دانشجویان ایران، و پس از انقلاب، اکنون نشان دادن انقلاب صدماهریالیستی و خلقی ایران و افشای توطئه‌های امریالیسم و ضدانقلاب علیه آن به شمار می‌رود و می‌رود.

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان بارها و بارها حمایت خود را از مبارزات به حق مردم و دانشجویان ایران علیه امریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن اعلام داشت و در تشریحات خود نسبت به فشار و تضییق ساواک و همال امریالیسم علیه جنبش انقلابی مردم و دانشجویان ایران اعتراض کرد.

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان به انقلاب بیروزی مردم ایران به رهبری امام خمینی خوشامد گشت و در پیام خود بیروزی کامل مردم و دانشجویان ایران را در نبرد عادلانه‌شان علیه امریالیسم بر سرکردگی امریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی آرزو کرد. در پیام این اتحادیه به مناسبت نخستین سالگرد انقلاب ایران چنین می‌خوانیم:

«بیروزی انقلاب ایران، نتیجه منطقی مبارزه دلیرانه مردم و دانشجویان ایران علیه رژیم وابسته به امریالیسم شاه و دستگاه صیقلی آن - ساواک - بود. این بیروزی ضربه سختی بر امریالیسم آمریکا و ارتجاع جهانی وارد ساخت و منجر به از دست رفتن مواضع مهم آنان در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس و تخریب مذهب تلامذی، که علیه مبارزه رهاگریختن منطقه به کار می‌رفت، شد. بیروزیی که خلق ایران، نقش مهمی در مبارزه عمومی صدماهریالیستی و نیز در روند تغییر تناسب نیروها به نفع صلح، رهایی ملی، دمکراسی و ترقی اجتماعی ایفا کرد.»

در این پیام به توطئه‌های امریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران اشاره می‌شود و در پایان ضمن محکوم کردن این توطئه‌ها، از همه دانشجویان ترقیخواه و دمکرات سراسر جهان و سازمانهای آنان خواسته می‌شود که جنبش همبستگی خود را با مردم و دانشجویان ایران، در مبارزات علیه مانورهای امریالیسم و ارتجاع و به خاطر آزادی و ترقی اجتماعی، شدت بخشند.

سمینار بین‌المللی جوانان و دانشجویان، که در تاریخ ۱۳-۱۵ مه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به ابتکار مشترک اتحادیه بین‌المللی دانشجویان، فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و اتحادیه جوانان سوسیالیست بین دمکراتیک (اتحاد) و با شرکت هیئت نمایندگی ایران برگزار شد، نمونه‌های درخشان از هستیکر فعال جنبش جهانی جوانان و دانشجویان با انقلاب مردم ایران بود. در پیام هستیکر این سمینار خطاب به مردم، جوانان و دانشجویان ایران چنین آمده است:

«... ما مانورهای همه نیروهای ارتجاعی منطقه و جهان را علیه انقلاب ایران، علیه مبارزه صدماهریالیستی مردم ایران محکوم می‌کنیم و معتقدیم که این تحریکات خطر بزرگی برای صلح و امنیت آسیا و سراسر جهان است.»

ما نمایندگان جوانان و دانشجویان سراسر جهان، به بیروزی مردم، جوانان و دانشجویان ایران در مبارزه نشواریشان اعلان‌تاریخ و همبستگی عمیق خود را با مبارزه عادلانه‌شان ابراز می‌داریم.

علاوه بر این، اتحادیه بین‌المللی دانشجویان همواره سنگری برای ایجاد ارتباط میان گردان‌های انقلابی دانشجویان جهان و فعالیت‌های مشترک آنان به شمار می‌رود. زمانی که شاه سابق در اثر مبارزات مردم ایران به پاناما گریخته، یا مهاجرتی اتحادیه بین‌المللی دانشجویان، جنبش دانشجویی پاناما، به رهبری فدراسیون دانشجویان پاناما، مبارزه وسیعی را برای اخراج شاه جنایتکار آغاز کرد. هیئت نمایندگی دانشجویان پاناما به ریاست همایون‌باز، دبیر کل آن، به دعوت سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به تیران آمد و ضمن ملاقات با دبیر شورای انقلاب اسلامی در آن زمان (آیت‌الله دکتر بهشتی) و نیز در میتینگ دانشکده پهلوتکنیک، همبستگی عمیق خود را با انقلاب ایران و حمایت گسترده‌تأیید خود را از مبارزات عادلانه مردم و دانشجویان ایران اعلام داشت.

در ۳۵مین سالگرد تأسیس اتحادیه بین‌المللی دانشجویان، موفقیت این سازمان معتبر بین‌المللی را در تیل به آرمان مقصد خود: تعمیم و گسترش جنبش جهانی دانشجویان در مبارزات علیه امریالیسم و ارتجاع بین‌المللی و به خاطر صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی و تأمین حقوق دانشجویان، آرزو می‌نماییم.

تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

تضمین اشتغال مناسب با دانش و معلومات فارغ‌التحصیلان.  
... هم‌راه اتحادیه بین‌المللی دانشجویان سمینارها، کنفرانس‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای تبادل نظر و مقایسه تجربیات و انتقال نظریات و تجربیات نوین در زمینه اصلاح و دمکراتیزه کردن آموزش برگزار می‌کند. آخرین سمینار جهانی آن درباره آموزش بی‌طرفی قرار بود اخیراً در مانیل (فیلیپین) برگزار شود، که به علت تشدید منیفات تروریستی و تفریق ملی غیره‌های مرفی آن کشور لغو شد.

## اتحادیه بین‌المللی دانشجویان و مبارزه علیه عمال امریالیسم در جنبش دانشجویی

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان از همان بدو پیدایش معتقد بود که بیروزی در مبارزات علیه امریالیسم، استمرار و استمرار نو و به خاطر استقلال ملی، دمکراسی و ترقی اجتماعی می‌تواند شرایط اصلی تحقق آرمان‌ها و خواست‌های عدالت توده‌های دانشجویان را فراهم آورد. اتحادیه معتقد بوده و هست که مسایل دانشجویی به‌منو جدا فائیدنی در پیوند با دیگر مسایل اجتماعی قرار دارند و استقلال ملی زمینه پیشرفت و تکامل آموزش را فراهم آورد. ولی از همان آغاز پیدایش اتحادیه، برخی سازمان‌های دانشجویی معتقد بودند که جنبش دانشجویی باید فیرسیاسی باشد و تنها به مسائل فنیانه دانشجویی، نظیر مسافرت، دانشجویان، ورزش، تئاتر، مشکلات آموزشی و فیره بهره‌راند و نباید هیچگاه خود را درگیر مسایلی چون مبارزه ضد امریالیستی کند. اکثریت سازمانهای دانشجویی با چنین نظریاتی مخالف بودند و از خط مشی اتحادیه بین‌المللی دانشجویان حمایت می‌کردند. گروه‌های مخالف (که مبارز بودند از اتحادیه ملی دانشجویان ایالات متحده - که هم‌راه در آن نفوذ داشت - و برخی سازمانهای دانشجویی کشورهای اروپای غربی) پس از به نتیجه نرسیدن کارشکنی‌هایشان، از اتحادیه جدا شدند و در سال ۱۹۵۰ (۱۳۲۹) «کنفرانس بین‌المللی دانشجویان» (کوسک) را تشکیل دادند. حوادث بعدی نشان داد که این سازمان، که مدعی و پرچمدار فیرسیاسی بودن جنبش دانشجویی بود، در واقع خود مرکز استار شده فعالیت‌های ارتجاع و امریالیسم بود. و مستقیماً چنان‌طور مالی و چنان‌طور اداری توسط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) اداره می‌شد. مثلاً، اکنون روشن شده است که اکثر رهبران این سازمان، از جمله نایب رئیس روابط بین‌المللی آن عضو و یا همکار صیغه بوده‌اند.

در پرتو کوشش‌های پیگیرانه اتحادیه بین‌المللی دانشجویان و سازمان‌های عضو آن در جهت تعمیم و گسترش جنبش دانشجویی و نیز افشای ماهیت «کوسک»، برخی از سازمانهای ملی دانشجویی، که فیریب خورده و به دام «کوسک» افتاده بودند، از آن خارج شدند و به اتحادیه پیوستند.

## اتحادیه بین‌المللی دانشجویان و همبستگی با مبارزه صدماهریالیستی و جنبش‌های رهایی‌بخش

تاریخ روزافزون حیثیت اتحادیه بین‌المللی دانشجویان تا اندازه زیادی ناشی از مبارزه و دفاع پیگیرانه وی از مبارزات خلقی و دانشجویان آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین علیه استمرار و توسعه استعمار، تبعیض‌نژادی و تجاوز امریالیستی و در راه استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی است.

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان و سازمانهای عضو آن تاکنون به منظور حمایت مادی و معنوی از مبارزات دانشجویان و خلقهای اندونزی، کره، کوبا، الجزایر، مصر، سودان، اسپانیا، برتقال و یونان و در سال‌های اخیر ویتنام، لائوس، کامبوجیا، فلسطین، شیلی، آفریقای جنوبی، آنگولا، نیکاراگوئه، افغانستان و ایران، دست به تشکیل جنبش‌های هستیکر زده‌اند و از همه‌اشکال مبارزاتی برای کمک به مردم و دانشجویان این کشورها یاری جسته‌اند.

در این زمینه به چند نمونه از فعالیت‌های اتحادیه بین‌المللی دانشجویان اشاره می‌کنیم:

اتحادیه در پشتیبانی و همبستگی با مبارزات خلقهای آفریقا علیه استمرار و استعمار نو اجلاس بین‌المللی دانشجویان برای همبستگی با مبارزه خلقی و دانشجویان آفریقای جنوبی (اکتبر، ۱۹۷۶) و کنفرانس بین‌المللی جوانان و دانشجویان برای پشتیبانی از مبارزه خلقی، جوانان و دانشجویان آفریقای جنوبی (مارس، ۱۹۷۸) و... را برگزار کرد.

همبستگی با مبارزه رهایی‌بخش خلقهای عرب، علیه تجاوز اسرائیل و مانورهای امریالیسم و نیروهای ارتجاعی منطقه خاورمیانه، در فعالیت‌ها و مبارزات اتحادیه بین‌المللی دانشجویان مکان برجسته‌ای دارد.

برای این منظور دبیرخانه اتحادیه تاکنون نمایشات هستیکر گوناگونی ترتیب داده است، که از جمله می‌توان از اجلاس بین‌المللی دانشجویان به خاطر بیروزی مبارزه اعراب (دمشق - قوبره ۱۹۷۷)، هفت بین‌المللی هستیکر با خلق فلسطین، سازماندهی مسافرت هیئت نمایندگی اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین (کوسک) به اروپا در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، فعالیت‌های هستیکر در حمایت از نیروهای ملی و میهن‌دوست لبنان و نیروهای ترقیخواه و دمکرات مصر، بخشی از کارنامه درخشان اتحادیه بین‌المللی دانشجویان است. یکی از مهم‌ترین اقدامات اتحادیه در این زمینه اجلاس بین‌المللی دانشجویان به منظور همبستگی با جنبش رهایی‌بخش عربی (دمشق - ۱۹۷۸) است.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

## اتحادیه بین‌المللی دانشجویان و مبارزه علیه عمال امریالیسم در جنبش دانشجویی

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

... تأمین برنامه‌های آموزشی موردنیاز جامعه و اطلاق آن با روح مسکری بین‌المللی،  
... شرکت دانشجویان در مدیریت و حیات مدارس عالی و دانشگاه‌ها.

# افشاگری، انتقاد، اتحاد

ابتداءً توضیح نظر خود را دربارهٔ دومفوله سیاسی - اجتماعی - فلسفی ضروری می‌شمرم، که آن هم مقولات افشاگری و انتقاد است. افشاگری - شیوه برخورد طرفداران انقلاب با مخالفان و دشمنان انقلاب است. مخالفان و دشمنان انقلاب را نمی‌توان انتقاد کرد، بلکه باید افشا نمود.

معای افشاگری اینست که میان طرف افشاکننده و طرف افشاشونده یک تضاد آشتی‌ناپذیر وجود دارد و فقط با طرد و سرنگونی و ریشه‌کن شدن سلطه طرف افشا شونده است نه مسئله حل می‌شود. یعنی میان طرف افشاکننده و طرف افشاشونده، هیچگونه امکان آشتی و صلح و به هم رسیدن و سازش وجود ندارد.

مثلاً مردم کشور ما رژیم سرنگون شده پهلوی را دشمن خود می‌دانستند و لذا نیروهای انقلابی آن کسانی بودند که این رژیم را افشا می‌کردند و در عمل برای سرنگونی و امحای این رژیم به طور آشتی‌ناپذیر، بی‌سازش و لعرض مبارزه می‌کردند.

مثال دیگر: مردم کشور ما امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را دشمن خود دانستند و می‌دانستند و نیروهای انقلابی، همیشه و بدون کوچک‌ترین سودا و معامله و لعرض و برهنی، امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را کوبیده‌اند و می‌کوبند و خواهند کوبید.

مثال دیگر: سرمایه‌داران بزرگ و افسانه‌وکلان زمین‌داران و کلیه ربربنای اجتماعی - اقتصادی موجودیت طبقاتی آنها، بزرگ‌ترین رزمه داخلی نفوذ امپریالیسم و پیدایش رژیم وابسته طاعت در ایران بوده‌اند و تا سرمایه‌داری بزرگ و کلاسیک و کلاسیک زمین‌داری بر زندگی اجتماعی - اقتصادی ایران تسلط دارند، خطر بارگشت سلطه امپریالیسم و امکان وجود رژیم‌های طاعتی در ایران وجود خواهد داشت. لذا سرمایه‌داری بزرگ و کلاسیک و کلاسیک زمین‌داری و ربربنای اجتماعی - اقتصادی موجودیت آن‌ها بزرگ‌ترین دشمن داخلی انقلاب ایران است. سایرین نیروهای صدمی به انقلاب افشا می‌کنند و با آن‌ها هیچگونه سازش و برتری ندارند و بی‌توانند دانه باشند.

مثال دیگر: لبرالیسم ایدئولوژی و سیاست بخشی از بورژوازی بزرگ است؛ اینک به پرچم نظام بورژوازی بزرگ تبدیل شده است - که در سر زمین و تکامل انقلاب ایران به سرنگونده انقلاب و به حاد صاف کن صد انقلاب تبدیل شده است. لذا برای ایجاد افشاگری، ما این لبرالیسم به معنای سبب دادن انقلاب به شکست و سازش با امپریالیسم خواهد بود.

مثال‌های فراوان دیگری را در این زمینه می‌توان ذکر کرد. این طرح درست و اصولی و علمی مسئله است که به نظر محدود و عطف‌گردد افشاگری و ماهیت و هدف آن را نشان می‌دهد. ما فلاں عمل فلاں شخص را، به عنوان عملی که از لحاظ اصول مطروحه در موق باید افشا می‌شد، افشا می‌کنیم و فلاں رورنامه را به عنوان مروج و مدافع اندیشه‌های مفروضه و موقی افشای می‌کنیم. ما نمی‌توانیم و با آن شخص عداوت شخصی داریم و به با این و با آن رورنامه برخورد دشمنی داریم. موم افشاگرانه آشتی‌ناپذیر نیست، ما این و با آن شخص، این و با آن گروه، این و با آن روزنامه و غیره - افشای مواضع ایدئولوژیک

و سیاسی ضد انقلابی و ضد مردمی آنهاست، که بر پایه اصولیت انقلابی انجام می‌گیرد.

و اما انتقاد ماهیت و هدف به کلی دیگری دارد. انتقاد شیوه برخورد در داخل محدوده طرفداران انقلاب است. در این محدوده همه ما در قلمرو یکسان و مدافع انقلاب هستیم. نوح و توان خود برای تنبیس، تحکیم و تعمیق انقلاب، تحکیم و تثبیت و تقویت جمهوری اسلامی ایران می‌کوشند، ولی در کار آن‌ها، که بیشتر به دستگاه اداره‌کننده کشور مربوط می‌شود، این و با آن کمبود و حتی گاهی کمبود تا حد اشتباه و غفلت و گمراهی جدی بروز می‌کند. نقطه عربت همه نیروهای انقلابی منافع انقلاب است و زادگاه همه آنها خلق و آزاده خلق است، ولی گاهی در عمل این و با آن نیروی انقلابی، در درک وظایف انقلاب، سنگبندی‌ها، پیگیری‌ها و انواع حیثات دیگر، این و با آن اشتباه و با ندانم کاری و یا حتی حرکت ناآگاهانه در سمت مخالف منافع انقلاب رخ می‌دهد. از آنجا که همه این اشتباهات، ندانم‌کاری‌ها و کمبودها، نه از روی غرضی ضد انقلابی و ضد مردمی و عرضی شخصی و سیاسی، بلکه صرفاً از روی محدودیت در دانش‌ها و بینش‌ها و کمی تجربه و غیره بروز کرده، لذا نمی‌توان و نباید با آن‌ها به شیوه افشاگری برخورد کرد، بلکه بگانه طرز برخورد درست و اصولی و انقلابی در این گونه موارد، انتقاد سازنده است.

در اینجا موارد باید در چهارچوب حفظ منافع انقلاب، در انطباق با منافع عمده انقلاب، ملاحظه نظر گرفت. در این موارد، با رعایت اصل اتحاد نیروهای انقلابی و با هدف تحکیم این اتحاد نه به منظور طرد طرف، بلکه به منظور راهمسانی صادقانه و دلسوزانه طرف، مسائل مورد نظر را مطرح کرد. نباید کار را بر سر برد، دلائل و استدلالات منطقی را بیان کرد، و مهم‌تر از همه، راه مشخص اصلاح آن عیبی را که خود مطرح کرده‌ای، نشان داد. انتقاد بدون راهمسانی، انتقاد از روی غرض و به منظور طرد طرف انتقاد شونده، انتقاد خالی از صدق و صفا - انتقاد نیست، بلکه در بهترین شکل عملی است. بی‌فایده و در بدترین شکل تخریب است.

افشاگری، ماهیت آشتی‌ناپذیر دارد. لکن انتقاد مربوط به مناسبات میان دوستان یک جبهه است، که در میان آنها اختلاف نظر می‌تواند وجود داشته باشد، لکن خصوصیت و تمام آشتی‌ناپذیری وجود ندارد. افشاگری برای طرد طرف افشاشونده است. دستگاه سیاسی و با جریان ایدئولوژیک و سیاسی است. ولی انتقاد برای اصلاح طرف، برای یافتن راه درست و برطرف کردن نقایب در داخل صفوف انقلاب و بالنتیجه برای تحکیم هر چه بیشتر اتحاد و یکپارچگی نیروهای پشتیبان صدمی انقلاب است.

حزب توده ایران با کجینه گرانمایی از تحارب تلخ و شوریس ریدگی و سارزه، غرب به چهل ساله خود و تاریخ بینی از تحت سالت حسینی کمونیستی و کارگری ایران و با تجربه اندوزی از همه جستن‌های انقلابی جهان و براساس جهان بینی مصلح‌گامی و انقلابی و انسانی خود، همیشه مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب را به روشنی تشخیص داده است. دشمنان را بدون آشتی و سرتش، افشا کرده، ولی دوستان انقلاب را با انتقاد دوستانه و صادقانه دلسوزانه، سارنده به قدر قوه خود راهمسانی نموده است. بر همین معنای

اصولی است که حزب ما هرگز مرتب ظواهر انقلابی نمای دشمنان انقلاب را نخورده و از افشای آنها یک دم کوتاهی نکرده، و از سوی دیگر هرگز با نامبرسانی‌هایی که گاهی از نیروهای صدمی انقلابی دیده، خود به گمراهی‌های ذهنی دچار نگشته و به اصطلاح معروف، دروغ و دوستان را به هم قاطی نکرده و جز از طریق اسناد سازنده و صادقانه و دلسوزانه با این نیروهای صدمی انقلابی برخورد ننموده است.

این اصول برخورد، به دشمنان انقلاب و دوستان انقلاب است. ما از همه نیروهای صدمی انقلابی انتظار داریم که آنها هم حریم خودی را، یعنی مرز و حدود نیروهای صدمی مدافع انقلاب و جمهوری - اسلامی ایران را از جولانگاه ضدانقلاب به روشنی تشخیص دهند و آنچه را دربارهٔ ضدانقلاب می‌پسندند و نیروهای خودی را ندارند، در ارتباط با مسئله افشاگری و مسئله انتقاد، که در بالا اصول کلی آنها را شرح دادیم، این سوال مطرح می‌شود: آیا آنچه از جانب مقامات مسئول به مناسبت وضع خاص کنونی کشور در مورد احتیاز از نفاق افکنی مطرح شده کاملاً درست است و ما صد در صد با آن موافق هستیم. به مسئله افشاگری هم مربوط می‌شود که خود می‌دانیم و می‌جویم و چرا با این مفروضات هستیم که انتقاد در داخل نیروهای صدمی به انقلاب را باید در حدودی محدود ساخت که منجر به نفاق افکنی در میان مدافعان و پشتیبانان صدمی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نشود. اگر در شرایط صدمی اتحاد نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند، حتی باید از طرح این و با آن مسئله انتقادی بسیار حاد هم صرف نظر کرد و به طور انقلاب سکوت اختیار نمود. این حواست شعور انقلابی و آگاهی و درک عادی انسانی است.

سوال، اینست که: آیا افشا کردن مخالفان و دشمنان انقلاب هم می‌تواند به عنوان نفاق افکنی تلقی شود و آیا به این دلیل باید از افشای مخالفان و دشمنان انقلاب هم صرف نظر کرد و سکوت اختیار نمود؟ این سوالی است که پاسخ آن از نظر ما روشن است و در بالا آن را توضیح دادیم. ولی به همان دلائل مذکور در مورد انتقاد از دوستان در داخل محدوده انقلاب، ما جدا انتظار آن را داریم که مسئولان سارز و منهد امور ارشادی جمهوری اسلامی ایران، به هر نوعی که خود صلاح می‌دانند، رسانه‌های گروهی و مطبوعات و انتشارات کشور را راهمسانی کنند که، مرز میان انتقاد سازنده، که مجاز است، و نفاق افکنی، که واقعاً جرم ضد انقلابی است، از کجا می‌گذرد و چگونه باید به طور آگاهانه و با ندای وحدان انقلابی و به خاطر جمهوری اسلامی ایران، که ما این همه خون و ایثار به دست آورده‌ایم این همه جستم‌های اسیده آن دوخته شده، این مرز را برامراهات کرد.

حزب توده ایران، برچمدار اتحاد نیروهای انقلابی و رورمنده جان برکف در سنگر دفاع از انقلاب بزرگ ایران و جمهوری اسلامی ایران است. اتحاد، اتحاد و بیاز هم اتحاد همه جانماز راه استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی، زیر رهبری امام خمینی - ایست آن نزاری که ما بدر فرماز خاک برامتحار ایران است و رور دراهتر از این و اجرای کلیه آن چیزی که برای استقرار و تحکیم رور امروز این اتحاد ضرورت دارد، وظیفه مقدس همه نیروها و کسانی است که صادقانه خود را انقلابی می‌نامند.

## «صدور انقلاب» بمعنای «کشور گشائی» نیست

هر انقلابی که به حمایت خود اعتقاد داشته باشد، آرزوی جهانی شدن خود را می‌کند، یعنی خواهان آن می‌شود که دیگر خلق‌ها نیز از آن انقلاب سرمشق بگیرند و برای رهائی خود به پا بایزند. انقلاب شکوهمند ایران نیز از این‌ها نیست. سستی و سستی نمی‌تواند باشد. آن‌که کدام انسان واقعی است که آرزو کند که در کشور های اسیر و برده جهان، خلق‌ها به خلق ما تا سی جویند و راه‌های بخش نظیر انقلاب اسلامی ما را در پیش بگیرند و استعمار و امپریالیسم را از خاک ببردند. خود طرد سازند؟ کدام ایرانی سارر و انقلابی در آرزوی آن نیست که عراق، اردن، پاکستان، عربستان، مصر و ترکیه و دیگر کشورهای نظیر آن‌ها، با الهام از انقلاب ایران و خط صدم امپریالیستی مردمی امام خمینی، هر یک در کشور خود و دست در دست ایران انقلابی، بویه طرد نسوری استعمارزدائی و استعمارزدائی را آغاز کنند و در اتحاد با همه نیروهای انقلابی جهان، در یکی از مهم‌ترین مناطق جهان "سرحلاص" راه کله امپریالیسم جهانی بزنند؟

این آرزوی هر انسان انقلابی و هر انقلاب واقعی است. در ارتباط با همین مسئله بود که در نخستین روزهای انقلاب، مسئله "صدور انقلاب" به میان آمد. ولی محافل ناآگاه از یک سو و دست‌های خرابکار از سوی دیگر مفروضه "صدور انقلاب" را به تدریج به صورتی تعبیر و درستی هرفی کردند که سرحلاص اصول انقلابی بود.

سرحی‌ها از روی ناآگاهی و سهل‌اندختی و سرحی دیگر از روی آگاهی و به منظور دشمن‌رانی برای جمهوری اسلامی ایران، جیبی وانمود کردند که گویا منظور از "صدور انقلاب" به دیگر کشورها، "کشور گشائی" و "تحمل اراده" و "انفالگری" است.

حزب توده ایران که از همان آغاز این، این تحریف‌های "صدور انقلاب" را می‌دید، خطرات ناسی از این تحریف را بارها گوشزد کرد. از جمله

در خرداد ۱۳۵۸، یعنی در اوایل داس گرفتن تحریف در تعبیر "صدور انقلاب"، نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، با انتقاد از برخوردی که "صدور انقلاب" را به معنای "کشور گشائی" هرفی می‌کند، نوشت:

... ایران انقلابی نیا به کشور گشائی و احیاناً صدور انقلاب کوبیده دیگر کشورها را ندارد و این درحالی است که می‌باید تمام نهضت‌های رهائی بخشی و اصل باری رساند و پشتیبان خلق‌هایی باشد که برای گرفتن حق خود بیاز - خاسته‌اند. آنها که دشمن‌ترائی می‌کنند و روابط ایران را ناخوب با همسایگان ایران تیر می‌کنند، عملاً آب به آسیاب ضد انقلاب می‌ریزند، ضد انقلابی که از به وجود آمدن ناسمی در مرزهای ایران و کشوده شدن جبهه‌های سیور سوزی برای رژیم جوان و انقلابی ایران عملاً شاد می‌شود. (نامه مردم، شماره ۲۵، ۲۶ خرداد ۱۳۵۸، ص ۶)

باید اوصاف داد که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با تعریف و تفسیر روشن و انقلابی که همیشه از مسئله "صدور انقلاب" کرده‌اند، بارها به باری درک صحیح از این مسئله رسیده‌اند و یکی از دستاویزهای سوس استفاده از آن جنگ مفرضان به در آورده‌اند.

امام خمینی در دیدار اخیر با سفرای کشورهای اسلامی تیربار دیگر به این مسئله بسیار مهم اشاره کردند و گفتند:

"ما اینکه می‌گوئیم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از آن برداشت نکنید که می‌خواهیم کشور گشائی کنیم... همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد... در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود... معنی صدور انقلاب ما اینست که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این

گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهند."

در سخنان امام خمینی، محتوای "صدور - انقلاب" به طور مستقیم بیان گردید و وسیله اجرای آن نیز به طور منطقی مطرح و بیان شد. ما است. اولاً - ما خیال کشور گشائی نداریم. همه کشورها باید استقلال و موجودیت خود را حفظ کنند. آرزوی ما اینست که مانند ایران، همه ملت‌های دیگر نیز خود بیدار شوند و بپاخیزند، استعمار امپریالیسم را از زندگی خود برانند، از زیر سلطه به در آیند، مخازن خود را از غارت دیگران و خودشان را از فقر نجات دهند. ما مدافع و پشتیبان آنها هستیم و خواهیم بود.

ثانیاً - مهم‌ترین و کاراترین وسیله کمک‌ها به تسریع بیداری و قیام خلق‌های اسیر و مظلوم این خواهد بود که ما با نشان دادن سرمشق‌ها و نمونه‌های الهام بخش از انقلاب خود، آنها را به تسریع در بیداری و قیام تشویق کنیم. یعنی باید مسائل داخلی و خارجی، مسائل طبقاتی و ملی، مسائل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، مسائل مادی و معنوی و همه مسائل دیگر مثلاً به جامعه خود را بر طبق عدل و انصابت و حقیقت دوستی، یعنی بر طبق منافع کویخ نیتان، آنچنان حل کنیم که هر خلق و کشور دیگری با مشاهده آن به وحدت آید، الهام بگیرد و سرمشق به دست آورد، و با توجه به شرایط خاص و ویژه هر کشور زهر جامعه، برای استقلال، آزادی و ترقی معین خود به حرکت درآید.

هر انقلابی مرکب از دو بخش است: اول، خراب کردن نظام ارتجاعی کهنه و دوم، ایجاد نظام جدید انقلابی. انقلاب ما بخش اول خود را در چندین بعد اساسی، در سطحی قابل ستایش انجام داده است. از آن جمله، نظام وابستگی به امپریالیسم را در رشته سیاسی در هم

کوبیده و در رشته اجتماعی - اقتصادی بطور جدی متزلزل ساخته است. اکنون باید با تکمیل درهم کوبیدن پایه‌های اجتماعی - اقتصادی نظام وابسته سرنگون شده، یعنی سلب اقتدار اقتصادی کامل از سرمایه‌داری وابسته و بزرگ مالکی و تکمیل سوزاری دستگاه حکومتی و قطع بسا دی‌کلیه مناسبات و بندهای وابستگی به امپریالیسم، کار تخریب نظام کهنه را تمام می‌نمایان رساند شود. تکمیل انقلابی تخریب نظام کهنه، صد خلقی، سرمشق کامل و زنده و الهام بخش برای دیگر خلق‌های اسیر خواهد بود.

و اما پس از تخریب نظام کهنه، مسئله ایجاد نظام جدید انقلابی، از اهمیتی به مراتب بزرگتر برخوردار است، زیرا منظور خلق‌ها از انقلاب، ناخن نظام جدید است و تخریب نظام کهنه صرفاً به منظور تخریب نظام کهنه نیست، بلکه منظور ایجاد زمینه برای تاسیس نظام جدید انقلابی است. اگر تخریب نظام کهنه ارتجاعی به ایجاد نظام جدید انقلابی منجر نگردد، نمی‌توان ادعا کرد که انقلاب رخ داده است، بلکه باید گفت که انقلاب جوان مرگ شده است.

پس ساختن ایران جدید، ایران مستقل و آزاد، ایران آباد و مرفه، ایران نیرومند و مرفی، ایران صلح‌دوست و پشتیبان مظلومان در چهارچوب جمهوری اسلامی - اینست آن وسیله اصلی ترویج انقلاب ما، و با به اصطلاح غیر دقیق معمول امروز، وسیله "صدور انقلاب" ما به دیگر کشورهای زیر ستم. همه انقلاب‌های واقعی جهان از طریق سوزاری انقلابی جامعه خود و قیام انسانی و انقلابی مسائل جامعه خود و بدین وسیله از طریق تبدیل کشور خود به نمونه سرمشق زنده حل دردها و نیازها و مشکلات جامعه، تاخیر انقلابی خود را به دیگر کشورها بخشیده‌اند، یعنی خود را صادر کرده‌اند - و با دقیق‌تر و علمی‌تر - ترویج کرده‌اند."

بقیه در صفحه ۶

# کارگران کردستان میتوانند خنثی کننده توطئه های ضد انقلاب باشند

پا یا رفع ستم ملی از خلق کرد و سرکوب ضد انقلاب می توان کردستان را بیستری برای دفاع از انقلاب مبدل کرد

کارخانه قند متعلق به انرف پهلوی بود و بعد از انقلاب ملی شد تولید کارخانه پوشتاک و لاسپای چین است. مواد اولیه آن از تهران وارد شده و تولید آن مستقیماً به تهران می رود.

کارگران روزانه ۸ ساعت کار می کنند و حدود دوهزار و هشتصد تومان در ماه حقوق می گیرند. یکی از کارگران در این مورد گفت: "قبل از انقلاب حقوق ما دوهزار تومان در ماه بود اما حالا شصت تومان به حقوق هر کدام از ما اضافه شده است."

کارگران همه حق بیمه می پردازند و بیمه درمانی هستند. ولسی از دریافت حق مسکن معرومند. در کارخانه از بندیکا خبری نیست. یکی از کارگران در این باره گفت: "در کارخانه کارگران تشکیل سندیکایی ندارند، اما قبلاً تئورایی داشتیم که نماینده کارگران و کارکنان در آن شرکت داشتند. بعداً درگیریهایی شدند امروز شورای کارخانه بوسیله انجمن اسلامی اداره می شود."

همچنین بعد از وقایع سنندج ۲۲ نفر از کارگران و کارمندان از کارخانه اخراج شدند که از این تعداد ۱۹ نفر زن و بقیه مرد هستند.

مشکلات کارگران در سنندج و دیگر شهرهای کردستان دارای ریشه های مختلف عمومی و داخلی است. ریشه های عمومی (مشکلاتی که برای همه کارگران در تمام کشور یکسان است) بطور عمده مشکلاتی هستند که باعث نواقص قانون کار و عدم مراعات استثنایی آن گریبانگیر تمام کارگران است.

این مشکلات بارها در نامه "مردم" مورد بررسی قرار گرفته و راه حل های مناسب برای آن پیشنهاد شده است که بطور عمده عبارتند از: اخراج کارگران اشکال تراشی بر سر راه ایجاد سندیکای کمبود وسایل آسایشی، کمی دستمزد، بیمه و غیره. این گونه مشکلات با تدوین قانون کار مریخ و روشن و موافق با اهداف انقلاب قابل حل است.

اما مشکلات دیگری که ناشی از وضعیت کمونی کردستان است. اولاً - فعالیت های سندیکایی پس از وقایع کردستان هر نوع فعالیت سندیکایی و منافی در کارخانه ها و مراکز تولیدی برای کارگران غیر قانونی اعلام شد.

## در شرایط جنگی

## کارگران مبارز جیت سازی تهران برای تولید بیشتر تلاش میکنند

کارگران باتجربه و هوشیار کارخانه جیت سازی تهران، با حسن مشورت میهنی و درک شرایط حساس کنونی، سعی در افزایش تولید دارند. بعد از خاموشی های شبانه، شفت شبانه کارخانه جیت سازی تهران تعطیل شد و کارگران نیروی خود را در دو شیفت روزانه (کار ساعت ۶ صبح تا ۱۲ ظهر و از ساعت ۱۲ تا ۶ عصر) بکار گرفتند.

این نوع فعالیت باعث درجه بندی ربحتی برنامه کار و ایجاد آشنایی شد تولید کارخانه را بین ۲۵ تا ۳۰ درصد پائین آورد. لذا شورا و مدیریت کارخانه تصمیم گرفتند که با استنادهای کامل کارخانه، شیفت شب رادوباره سازمان دهند. ولی این تیزه نوبه خود باعث خستگی بیش از اندازه کارگران شد. (کارگران شیفت شب ساعت ۶ عصر تا ۶ صبح کار می کردند) این بار بنا به حواست کارگران مقررات قبل از جنگ، یعنی شیفت ۸

ساعته برقرار شد. در موقع آرزو خطر در اوایل جنگ، عمده های از کارگران ماشین ها را خاموش می کردند و به مرور از سالی و محوطه باز می رفتند و هر پنجاه ساعت بعد در یک محوطه کوچک تجمع می کردند. این کار به مراتب خطرناکتر از زمانی بود که کارگران در داخل سالن حضور داشتند. (در سالی در هر ۵ یا ۶ متر مربع یک نفر مشغول بکار است، در صورتیکه در محوطه ۵ یا ۶ متر مربع تعداد ۵ تا ۶ نفر می رسد). مشکل دیگری را که خاموش کردن ماشین ها بوجود می آورد (باید نظیر گرفتن سیستم برق مانده و قدیمی مرکز تولید برق کارخانه، که امکان قطع و وصل سریع برقی نیست، در موقع خاموش کردن ماشین ها، حدود ۲ ساعت طول می کشد تا روشن مغزن ها سرد شود، و اگر دوباره احتیاجی به شروع مجدد ماشین ها باشد، همین مدت وقت لازم

نظارت داشته باشد. بدین مضمون منتشر شد: اگر هر شیفتی از نظر تعداد افراد دچار کمبود شد، می تواند از سایر شیفت ها استفاده کند. - از روزهای قسمت های بزرگ، از شورای کارخانه یک نفر از طرف مدیریت نزدیک می آید تا در کارخانه بر سر چگونگی تولید نظارت داشته باشد.

## زحمتکشان سنگ بریمای اراک: برای نبرد باه ام، مامنتظر فرمان امامیم

در شهر اراک کارگاه سنگ بری کار میکنند. این کارگاه ها در جاده اراک-کهرود و سردشت قرار دارند. در هر کارگاه ۳ تا ۴ نفر کار می کنند، که اغلب بر روی دستگاه های قله بر، فرز (دستی و دروازه ای)، ساب کاری کنند.

دستمزد کارگران در این کارگاهها ۳۵ ریال است، که به ازای ۸ ساعت کار در روز به آنها پرداخت می شود. کارگران غالباً بیمه نیستند و کارفرما می تواند خودسرانه آنها را اخراج کند. دستگاه های اغلب کارگاهها فاقد وسایل ایمنی اند و از آنجمله تسمه های ماشین ها بدون حفاظند و همین امر خطرات جدی می تواند برای کارگران ایجاد کند. محیط کارگاه فوق العاده ناساکن است و سلامتی زحمتکشان را تهدید می کند. کارگران فاسد سندیکا و باغورا هستند.

در یکی از کارگاهها با چند نفر از زحمتکشان به گفتگو می نشینیم. یکی از کارگران درباره وضع کارگران سنگ بری می گوید: "اگرچه کارفرما مدعی است که طبق قانون کار با ما رفتار میکند، ولی اصلاً بطور نیست. من ۵ ماه است در این کارگاه کار میکنم، ولی در طی این مدت نه حق اولاد به من داده اند و نه حق مسکن و خواربار، حتی لباس کار هم

نداده اند. وی می افزاید: "مگر اینها حق ما نیست، پس چرا نمی دهند؟ یکی دیگر از کارگران، که در حدود ۲۰ سال دارد، با چهره ای گرفته می گوید: "من ۸ ساله در این کارگاه کار می کنم. حقوق ما این گزافی به هیچ جای ما نمیرسد. تازه با این حال الان ۲ ماه است که حقوق ما را ندادند."

این زحمتکشان سنگ های بریده شده را نشان می دهد و می گوید: "ما به این سنگها از پار-سال تا بحال دو برابر شده، در حالیکه حتی یک ریال به مزد ما اضافه نشده است. نظراتشان را درباره تجاوز رژیم مزدور صدام می پرسم. همین کارگر می گوید: "معلوم است که عراق دست نشانده آمریکا و انگلیس است و دستورها را به ما می دهد و ما حمله کرده و می خواهد انقلاب و اسلام ما را از بین ببرد. الان ما باید به سربازان خود میان تا می توانیم کمک از او درباره هیچ سیریم. در جواب می گوید: "من بدبختانه می رسم در بسج ثبت نام کنم و کار با اسلحه را بیاد بیاورم، ولی اگر امام فرمان بدهد، حاضریم با شمشیر به جنگ صدام بپردازیم."

و دوستش می گوید: "سال پیش راه آن در پیام تاریخی امام خمینی نشان داده شد. قابل حل هستند. حل مسئله کردستان نه تنها مشکلات ناشی از آن را از بین می برد بلکه کردستان را به سنگری برای دفاع از انقلاب مبدل می کند.

کارگران مدافعین بیگناهی انقلاب و نیروی آنها محکم ترین و مطمئن ترین پایه های استقرار حاکمیت و تمامیت ارضی میهن است. کارگران کردستان را می توان به تائید حقوق ملی و صنفی خود امیدوار ساخت و با این کار، نوطه های ضد انقلاب را خنثی کرد، با واگذاری حق خودگردانی به خلق کرد می توان شرایط مساعدی برای فعالیت کارگران جیت تولید بیشتر تا مرز خودکفایی و تسلیب استقلال و امنیت کشور فراهم آورد.

در کارخانه و ارتباط داشتن با گروه های ضد انقلابی از کارخانه اخراج می کنند. البته سرکوب ضد انقلاب و قطع ریشه های فاسد آن درجای خود درست و لازم است. اما اخراج کارگران تنها به بهانه ارتباط داشتن با گروه ها و سازمان های سیاسی نه تنها کمکی به مسایل کردستان نمی کند بلکه دست ضد انقلاب را برای تحریر و فعالیتهای خرابکارانه اش بیشتر باز میکند و به آن فرصت می دهد تا با استفاده از جو نارضایتی بر مشکلات دامن زده و از برقراری صلح جلوگیری کند. (همچنانکه تاکنون این مشکلات بقوت وجود دارد و ضد انقلاب نهایت استفاده را از آن میکند.)

این مشکلات معزوم شدن حقوق خلق کرد و رفع ستم ملی که یک

سال پیش راه آن در پیام تاریخی امام خمینی نشان داده شد. قابل حل هستند. حل مسئله کردستان نه تنها مشکلات ناشی از آن را از بین می برد بلکه کردستان را به سنگری برای دفاع از انقلاب مبدل می کند.

### روستائیان خواهان تقویت شورای ده و انجام قانون اصلاحات ارضی هستند تا در جهاد کشاورزی و در سرکوب دشمن شریک باشند

ماهیت هیئت های هفت نفری و شورای های مردمی مانع اجرای قانون اصلاحات ارضی و اقدامات مترقی و ریشه ای به سود دهقانان زحمتکش و محروم گردند.

دهقانان عزیز و زحمتکش! نمونه ده کمال آباد نشان می دهد که شورا هایی که اعضاء آن از میان خودشان انتخاب کردند، می توانند در رفع مشکلات شما گام های بلندی بردارند. می توانند در ایجاد امکانات کشاورزی کمک به تولید برای شما مفید و موثر باشند. به هنگام انتخابات بسزای تشکیل شوراها، مواظب حیل های بزرگ مالکان باشید. با پاری مقامات مسئول و متعهد مملکتی و نهادهای انقلابی چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران اجازه ندهید، که عمال و وابستگان بزرگ مالکان ستمگر به درون شوراها رخنه کنند.

هیئت های هفت نفری! نمونه ده کمال آباد ثابت می کند که در شرایط حساس کنونی نباید کارسبارهم و حیاتی شما به عهده تاخیر بیفتد. ما از ابتدای انقلاب همواره شاهد تشریح های پدیدرپی و خطرناک آمریکاسای غارتگر برای اجرای توطئه های پستی بوده ایم. توطئه طبس، توطئه ۱۸ تیر و هم اکنون نیز تجاوز نظامی رژیم خائن صدام را می بینیم. ما می دانیم در این تلاشها با پانزده های داخلی آمریکا، که یکی از انسان بزرگ مالکی است، فعالانه شرکت داشته و دارد. لیکن نیروی لایزال توده های زحمتکش حامی انقلاب است. پس اکنون که امام خمینی بار دیگر بر قانون و نظر به تن فقیه در تأیید آن صحنه کشته است هر چه زودتر وبدون قوت وقت کار اجرای قانون اصلاحات ارضی را آغاز کنید. تاخیر در این کار به زیان انقلاب است.

### در روستاهای اطراف پریشان

در اطراف پریشان نام دارد. عملاً در آن ۶ خانواده زندگی می کنند، ولی اسب آبادی ملا ۱۲ تا ۱۵ جاوار داشت، که اغلبشان به شهر رفته اند. محرومند. آنها اغلب دامدار هستند و با تغییر فصل، غیره مکان می دهد. آنها گله های بر خود را به اطراف می برند. ناز زمینهای که علوفه جلدانی هم ندارند. نعلبه کند. آنها بتم دامها را می چسبند و با وسیله ابتدایی دوک آن را می ریزند و تخ تهیه می کنند. سپس اسب آنها را به شهر می برند. رنگ می کنند و با آن قالی می بافند. با اگر تصادفاً خریداری باشد. آنرا می فروشند. آنها در کار دامداری، به کشاورزی بسیار محدودی هم می پردازند. اگر وسیله کار مناسبی باشد، آنها می توانند محصولات گوناگون دارد. که تولید بیشتر و باس مواد رزائی و دامی در داخل کشور، یکی

روستای کمال آباد در ۱۲ کیلومتری جاده ۴۵ متری فوج به قزوین واقع است. در این روستا یک هزار خانوار ساکن هستند که ۵۰۰ خانوار آن بومی هستند. از این هزار خانوار ۸۵۰ خانوار فاقد زمین اند.

تا قبل از اصلاحات ارضی کذاپی شاه مضمون کدخدای کمال آباد همه کاره بود و با تبهائی با مسئولان امور، دسترنج زارعین را، که روی اراضی حائمه کار می کردند، اسما

آ، ولی عملاً کل دسترنج را غارت می کردند. به علاوه با آتش زدن علوفه در دونه دام های دهقانان، در اختیار گرفتن سهمید آب کمال آباد، قبضه کردن قدرتهای اجتماعی از طریق ساخت و بیاخت با مامورین دولت و بالاخره قتل و غارت، روزگار مردم را سیاه می کردند. پس از اصلاحات ارضی "شاهانه" نیز خان ها کمک کردند تا سهمیه آب و کج کج برای تریه کمال آباد تسخیر و بسوی اراضی خانوادگی شاه خائن، یعنی شاهنش و مهر دهشت سر از زیر نرود. نتیجه این شد که از ۱۰۰۰ خانوار، در حال حاضر فقط ۱۵۰ خانوار به کار کشاورزی، تنهم با آب چاه و در مقیاس کم اشتغال داشتند و باقیه با استفاده از مویسات مختلف و محرومیت های ناشی از فقدان کار روزگار بگذرانند. بزرگ مالک، که تا قبل از انقلاب یکی از همکاران رژیم سرنگون شده، به نیوی بود و با اکثر سازمان های ضد مردمی همکاری داشت، بعد از انقلاب ظاهراً به خانه خود خزیده است. اهالی زحمتکش نیز شورا تشکیل می دهند (لیکن متأسفانه باز دونه سر از دستگان بزرگ مالک در این شورا نشود می کنند). اعضاء شورا ۵۰۰ هزار تومان پولهای انجمن را، که بزرگ مالک به حساب شخصی خود ریخته بود، از او می گیرند. با این پول مدرسه می سازند و به کار تکنیکی اعوان و انصار خان، که مخالف مدرسه بود و قسمی نمی گذارند. چاه عمیق حفر می کنند و با لوله کفی به طول ۲۰۰۰ متر و به قطر ۸ سانتی ۴ اینچ آب آمیخته ده را تأمین می کنند. این شورا که اکثریت اعضاء آن از اهالی زحمتکش است، تقریباً به کلیه امور روستا از قبیل تأمین ما بهیاج عمومی، امنیت، اختلافات کوچک بین ساکنین، نظافت ده و غیره رسیدگی می کند.

اما اهالی از این که به شکایت آنان نسبت به اعمال بزرگ مالک روستا و بستگانش توجه نشده و به نفعی بران وی با کمک افساد قبلی توانسته اند نمایندگی فروش سیمان آبیک را بگیرند و با زبده مردم اجحاف کنند، سخت ناراحت هستند. هم اکنون به خوبی مشهود است که در روستا جو انقلابی نیرومندی موجود است و اهالی پیگیرانه از امام خمینی حمایت می کنند.

اراضی کمال آباد، به استثناء ۴۰۰ هکتار، که باغ و بونه کاری بوده، جز اراضی خالصه است. از ده هکتار باقیمانده، ۳۵۰ هکتار آن به طورنا مساوی بین زارعین تقسیم شده که بیشتر آن به علت اعمال نفوذ در اختیار ۲۰ خانوار قرار گرفته و ۲۵۰ هکتار دیگر در دست دولت است. در اطراف کمال آباد، اراضی هلجریه، رازان و چهار دانگه به بیغیان زیاد و بلاستفاده در مالکیت مالکین بزرگ مانده است.

نمونه روستای کمال آباد همین این واقعیت است که بزرگ مالکی یکی از بیگانه های ضد انقلاب و امپریالیستهای غارتگر و در رأس آن آمریکا است. بزرگ مالکسان شورا ده دست در دست رژیم متعصب و بهیوی به کار غارت و ویرانی کشور مشغول بوده اند و هم اینک نیز مضم هستند انقلاب بزرگ ما را به شکست بکشند. آنان تمام تلاش و سعی خود



شورای ده به کشاورزی جهاد سازندگی پیوسته و در جهت تقویت و توسعه روستاها و مبارزه با ستم مالکان و زمینداران بزرگ و وابستگان آنها فعالیت می کند.

روستای کمال آباد در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی شهر قزوین واقع است. در این روستا ۱۰۰۰ خانوار ساکن هستند که ۵۰۰ خانوار بومی هستند. از این هزار خانوار ۸۵۰ خانوار فاقد زمین اند. تا قبل از اصلاحات ارضی کذاپی شاه مضمون کدخدای کمال آباد همه کاره بود و با تبهائی با مسئولان امور، دسترنج زارعین را، که روی اراضی حائمه کار می کردند، اسما

### هیئت تحقیق و بررسی روستائیان را تقسیم کند و آنها را از بیگانه های روستاها جدا کند

بردی که به سه ماه پیش هیئت تحقیق و بررسی روستائیان در شهرستان تا به باد، واقع در استان خراسان تشکیل شد، به منظور بررسی و تقویت روستائیان در روستاها آغاز کرد. در این هیئت، سواست و بزرگ مالکان، تمام زمینهای مرغوب و آب رزائی مورد احتیاج کشاورزان و افساد استعماری، پس از تشکیل و مزیت این هیئت به روستائیان و اهل روستاها داده اند. دهقانان بومی زمین و کم زمین دست داده بودند که به نفع بزرگ مالکان در جیره رنجیده آنها مشاهده می شد. بریرا می بینیم که سواست رژیم غارتگر مسئولین روستا، بحای مراجعه به خوانین و مالکین روستا، به جهت کم اطلاعات با آنها مراجعه می کنند. این مایه بیگانه های روستا است که به سود کم بزودی زمینها را گذار می شود و می توانست ما زمین روستائیان را با کوشش تمام کشاورزی را بهبود بخشد.

روستائیان خدا خواستار بودند که نا قضا به نفع بزرگ مالکان، زمینها را گذار شود، اما متأسفانه پس از دو ماه، تحقیق و بررسی هیئت روستائیان تا به کرد که عملاً تقسیم زمین شروع نخواهد شد. در این میان روستائیان، پس از آنکه شادی و امیدواری، حیرت آورده و در عین حال، به نفع بزرگ مالکان سواست باور کنند که حلوی کار عملی هیئت هفت نفری که در روستاها و اطراف روستاها تشکیل شده است، به بررسی زمین نمی توانست، زیرا فشار بر زمین روستائیان را به نفع بزرگ مالکان و گذار کنند. خوشبختانه بار دیگر از اوایی روستائیان، تمام شکمهای سابق کار هیئت هفت نفری ادامه خواهد یافت. سواست رژیم غارتگر و زمینداران پست شده است.

وظیفه انقلابی مسئولان امر است که بهره وری از این هیئت روستائیان را به نفع روستائیان نشان دهند. ما در هم کوشش با آنها می توانیم در برابر سواست رژیم غارتگر و زمینداران مزدوران ستمی عراق، و عمال دیگر آمریسا، به نفع روستائیان و اهل روستاها دهنند و اقتصاد کشاورزی ایران را شکوه و سربلندی بخشد.

دهقانان گیم زمین دشمنان

### درباره جنبش مقاومت فلسطین (۳) جبهه خلق برای آزادی فلسطین

جبهه خلق برای آزادی فلسطین یازده سال پیش تاسیس نامت. دبیرکل "جبهه خلق" دکتر جورج حبش است. که نظریات او در گذشته درباره هواپیمارانی در "سازمان آزادی بخش فلسطین" سز سخت انگیز بوده است. ما در زیر مومع گیری جورج حبش را درباره پاره ای از مسائل، بویژه در باره انقلاب فلسطین، از زبان خود او بازگو می کنیم:

#### درباره هواپیمارانی

"در مورد هواپیمارانی، باید گویم که این هیچگاه استراتژی ما برای رهایی فلسطین نبوده است. "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" از این روش تنها در دورانی محدود و مبنی و علیه دشمنانی همین استفاده جست...  
حمله علیه هدفهای امپریالیستی - صهیونیستی - غسارح از فلسطین مسئله ای تاکتیکی است. که از ویژگی های بیکار فلسطینی ها ناشی میشود. چنانچه خلق فلسطین در فلسطین می زیست. این تاکتیک شکلی کاملاً دگرگون نموده می گردد. اما هنگامی که دشمن ما را غلبان و دیگر نقاط جهان می راند، باید نواب آیرا نیز در نظر بگیرد."

#### درباره دیگر اشکال مبارزه

"ما همه شیوه های مبارزه، دیپلماتیک، سیاسی و توده ای، می جتندیم. ولی شیوه اصلی مبارزه ما، بیکار مسلحانه است. تنها از این راه می توانیم به هدف خود، یعنی گسست پیوسته صهیونیستی، نایل شویم. بیکار مسلحانه در درجه نخست در مناطقی اشغالی صورت میگیرد، اما چون محوریم سرون از مرزهای فلسطین زندگی کنیم، ناچاریم در خارج نیز مبارزه بپردازیم."

#### درباره موضع "جبهه خلق" در برابر "سازمان آزادی بخش فلسطین"

"ما بحثی گسستناپذیر از "سازمان آزادی بخش فلسطین" هستیم. "سازمان آزادی بخش فلسطین" جنبه وسیعی است از گردان های گوناگون مترقی و رزمجوی جنبش آزادی بخش فلسطین، که علیه صهیونیسم مبارزه می کنند. طبیعی است که در این جنبه مسائلی سرزمین، که مورد توافق همگان نیست...

"جبهه خلق برای آزادی فلسطین" در "سازمان آزادی بخش فلسطین" عضویت دارد و در این سازمان از متی سیاسی و سازمانی همی طرفداری می کند. برای نمونه، اسناد "سازمان آزادی بخش فلسطین" از مبارزه با صهیونیسم و اسرائیل سخن می گویند. "مادر" "سازمان آزادی بخش فلسطین" برای پیشبرد

این نظر کوشش می ورزم. که باید نه تنها علیه صهیونیسم، بلکه همچنین امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کرد. در مورد مسائل سازمانی، ما قصد داریم اصل دیکر آنک هستیم، که همه گردان های جنبش آزادی بخش (فلسطین) باید در ارتگان های رزمی "سازمان آزادی بخش فلسطین" شرکت داشته باشند."

#### درباره "کمیته دیوبند" و "استکار" "جامعه اروپا"

"بیمان کب دیوبند" جنبی یک جنبش فلسطینی - ها را به آسیا پاریس می دهد. قرارداد "کمیته دیوبند" مسئله ای است صهیونیستی برای نابودسازی خلق ما... ما به خود می بالیم که بیکار توده ها در مناطق اشغالی قرارداد "کمیته دیوبند" را با شکست روبرو کرد و سرشت راستین "سودمختاری" را برای همه سبانهان فاش ساخت...

"ما "انضامیه و نیز" (درباره "مسئله حاور سانه" - جورج ۲۳ خرداد ۱۳۵۹) را قاطعانه رد می کنیم و بیمن عریض گیری آشکار و پرازان "سازمان آزادی بخش فلسطین" سز حواس تاریم. اصولی نیست که ما این همه خلق ها می شود. هیچ فرد مترقی نمی تواند اجازه دهد که حقوق اصولی، چون حق تعیین سرنوشت خویش، نقض شود. ما خلق عوجه دو و با صمیمیتیم. ما حق داریم که سرنوشت خود را، خوبتر تعیین کنیم و با هر کس، که این حق را نادیده بگیرد، به رزمی "سازمان آزادی بخش فلسطین" سه مبارزه بخواهیم ساخت. "انضامیه و نیز" حداقل حقوق ما را سز سرزمین نمی شناسد، حتی این واقعیت بدیهی را، که "سازمان آزادی بخش فلسطین" نماینده راستین خلق فلسطین است.

"استکار" "جامعه اروپا" تنها یک مانور است. صرب المللی داریم، که می گوید "بارو دارد هم به روش ما می ریزد" حالا "جامعه اروپا" هم دارد این سز را در یک تکه تریبی سما عرصه می کند."

#### درباره افغانستان

"صرونظر از نوع پیش ما و شما در مورد انقلاب افغانستان و بنیانی شوروی از انقلاب افغانستان، باید کاملاً مواظب بود و حائل را به دقت نگریست. زیرا که هدف امپریالیسم این است که یک جریان انحرافی در افکار عمومی منطقه ایجاد کند، تا از هدف اصلی خود، یعنی نابودی کامل اسرائیل و نمود امپریالیسم آمریکا منصرف شوند و به آنها گفته شود، خطر واقعی دیگر از جانب اسرائیل و آمریکا نیست، بلکه از طرف شوروی است." (از مصاحبه اختصاصی با "انقلاب اسلامی" ۲۹ خرداد ۱۳۵۹)

### اعلامیه سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان نیروهای هوادار انقلاب ایران از راهپیمائی ضد انقلابیون فراری و ساواکی ها در بن جلوگیری کردند

روز ۱۱ آبان ۱۳۵۹، ضد انقلابیون فراری و بازماندگان "ساواک"، تحت نام "میمن پرستان ناسیونالیست مقیم آلمان غربی" در شهر بن قصد راهپیمائی و تظاهرات داشتند. چند روز قبل از این تاریخ، سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان، طی اعلامیه ای از کلیه نیروهای هوادار انقلاب ایران دعوت کرد، تا با تمام نیروی خویش جهت جلوگیری از این تظاهرات ساواکی و فاشیستی بیاخیزند.

روز ۱۱ آبان ۵۹، بیش از هزار نفر از ایرانیان هوادار انقلاب ایران، به نشانه مخالفت با این تظاهرات، در محل تجمع ضد انقلابیون اجتماع کردند. پلیس به حمایت از جانبان و فراریان رژیم شاه معدوم، به شکست و حشانه ای وارد عمل شد، که در نتیجه چندین نفر از دانشجویان سباز از ایرانی مجروح و ۱۲ نفر برای مدت چند ساعت دستگیر شدند.

راهپیمائی ضد انقلابیون انجام نگرفت و این به اصطلاح وطن پرستان و به اصطلاح دمکراتها، در همان دقائق اولیه با مستهاجگی و زیر حمایت پلیس محل را ترک کردند.

برگزاری تظاهرات و اجتماعات روزهای اخیر از جانب ضد انقلابیون فراری در آلمان فدرال و حمایت بی دریغ پلیس آلمان غربی از آنها بار دیگر نشان داد که دولت آلمان غربی از دوران مبارزه جنبش دانشجویی ایران در خارج کشور علیه رژیم خونخوار شاه درس عبرت نگرفته است. پلیس آلمان غربی، همانطور که در گذشته برای سرکوب جنبش اعتراضی دانشجویان مقیم آلمان غربی با "ساواک" همکاری نزدیک داشت، اینک نیز این بازماندگان "ساواک" و جانبان فراری را، که زیر رهبری عناصر مزدوری چون بختیسار، سدنی، نزیه، اربسی و پالیزبان عمل می کنند، تحت حمایت خود گرفته است.

هم اکنون "ساواک" آزادانه در آلمان فدرال متشکل شده و علیه انقلاب ایران به فعالیت مشغول است. نه تنها در آلمان غربی، بلکه در فرانسه، آمریکا، انگلستان و دیگر کشورهای امپریالیستی نیز ضد انقلابیون فراری از آزادی عمل و امکانات وسیعی برخوردارند. هم اکنون مراکز ضد انقلابیون در واشنگتن، نیویورک، لس آنجلس، پاریس، لندن، کلن، هامبورگ، قاهره، بغداد و کراچی گرم کارند و روزانه ها ورق پاره رنگارنگ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خطاب به ایرانیان مقیم داخل و خارج از کشور منتشر می کنند.

فعالیت ضد انقلاب را در خارج از کشور باید در چارچوب استراتژی عمومی امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای مقابله با انقلاب ایران ارزیابی کرد. تجاوز خیانتکارانه رژیم بحث عراق به ایران، فعالیت های ضد انقلاب در ایران، تحریم اقتصادی، تشکیل "ساواک" و ضد انقلابیون سراری در خارج از کشور و دگرگونه جلوه دادن واقعیت های انقلاب ایران از سوی رسانه های گروهی امپریالیسم از عناصر این استراتژی هستند.

تهاجم رژیم جنایتکار صدام به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اینک با مقاومت بکپارجه و حمله آفرین خلق در آستانه شکست مفتضحانه قرارداد ارد ضد انقلابیون داخلی و خارجی، که در آغاز این جنگ چشم پراه زمانی بودند، که به اصطلاح فتوحات صدام حسین فرصت به میدان آمدن را برای آنها فراهم کند، اینک با مسلم شدن شکست صدام به تکاپو افتاده اند و توطئه های دیگری را نیز تدارک می بینند.

اجتماعات روزهای اخیر ضد انقلابیون در آلمان غربی بیکار دیگر تحت هتداهای مکرر اعضاء و هواداران حزب توده ایران در آلمان فدرال، سبسی بر شکل ضد انقلابیون در خارج از کشور و لزوم مبارزه بیکار با آن به اثبات رسانید و بیکار دیگر نشان داد که پلیس آلمان غربی، ضمن اعمال انواع فشارها و تضییقات به میمن پرستان و هواداران انقلاب، ضد انقلابیون فراری را زیر حمایت همه جانبه خود گرفته است. مطبوعات و رسانه های گروهی امپریالیسم آلمان غربی در این باره سکوت کردند و با این که گزارشهایی سراپا تحریف و کذب انتشار دادند.

برای جنبش کردن این تبلیغات زهر آگین بنگاه های امپریالیستی تبلیغاتی و بازماندگان ساواکی رژیم شاه ملمون باید از کلیه امکانات استفاده جست. سفارتخانه های ایران در خارج از کشور می توانند نقش مهمی در این امر به عهده بگیرند. سفارتخانه های ایران باید به نام آور انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما برای افکار عمومی جهان باشند. باید از تمام امکانات سفارتخانه های ایران در خارج از کشور برای جنبش کردن تلاشهای مذبحانه ضد انقلاب فراری استفاده جست. جنبش کردن شبکه ساواکیهای داخل و خارج کشور تنها از طریق شناخت شیوه های عمل آنها و برقراری نظارت دقیق بر فعالیت آنها قابل حصول است. در این امر یک لحظه نباید تردید کرد.

انقلاب ایران هنوز به سبیلونها چشم هشیار و منز بیدار و دست های حراست گر نیاز دارد. توده ایها می مانند، همراه خلق متحد و انقلابی، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سرخخانه دفاع کنند.

۵۹/۸/۱۳

### صدور

بقیه از صفحه ۳

برخی از نویسندگان و گویندگان انقلاب ما، گاهی به درستی به مطلبی اشاره می کنند و می گویند: اگر انقلاب "پیشروی نکند" و "راکد بماند"، خواهد مرد. ولی بعضی ها این "پیشروی انقلاب" را فقط به معنای صدور انقلاب به دیگر کشورها تفسیر می کنند. این نظر اصلا درست نیست. "پیشروی انقلاب" قبل از هر چیزی به معنای تعمیق انقلاب در داخل خود کشور است و ترویج انقلاب به دیگر کشورها نیز به این مسئله بنیادی - به تعمیق انقلاب در خود کشور بستگی قطعی و بی چون و چرا دارد. مثلاً، در ایران خودمان اگر نتوانیم تحریر زبیرای رژیم منفر پهلوی را به پایان برسانیم و نتوانیم ستون پنجم امپریالیسم، یعنی سرمایه - داری وابسته را به ستابه طبقه از میان برداریم و جامعه جدید مستقل و آزاد و مترقی و عادلانه و واقعی را ایجاد کنیم، اگر توانائی آن را نداشته باشیم که در محیط مریخ داخلی و بین المللی، راهپیشروی انقلاب خود را به درستی تشییع دهیم و با قاطعیت بر آن گام نهیم. اگر در زیر فشار سنگین اقتصادی - سیاسی و نظامی امپریالیسم حوحوار و عمال وی از قبیل رژیم صدام نتوانیم نیروی مقاومت خلق و انقلاب و مدافعان انقلاب را بسج سائیم، اگر در گردن بادافسون های بورژوازی لیبرال راه خود را گم کنیم و اگر... و بالتبعه اگر آن

در این حال نه تنها ترویج انقلاب در خارج صورت نخواهد گرفت، بلکه یک قهقرای ضد انقلابی به وقوع خواهد پیوست.  
اری، انقلاب باید به طور مداوم به پیش برود و این شرط زندگی ماندن انقلاب است. ولی این پیشروی، پیشروی در سطح میریکی زمین نیست، بلکه قبل از هر چیز، در تعمیق مداوم و بی وقفه محتوای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انقلاب در همان کشور خودش است. اگر این پیشروی در عمق به سود خلق زحمتکش و محروم همیشه در جهان باشد، همین خلق زحمتکش و محروم، یعنی وارثان اصلی زمین، انقلاب را همیشه زنده نگاه خواهند داشت و دیگر خلق ها نیز از آن الهام، سرنوشت و سوبه خواهند گرفت. یعنی انقلاب "مادر" خواهد شد. انقلابی که در کشور خود همه کاره صادر و ندا به جوانمردی بگراید، هرگز نمی تواند "صادر" شود. پس باید قبل از هر چیز به فکر حفظ فضای واقعی انقلاب، پیشبرد انقلاب، تعمیق انقلاب در داخل کشور خود باشیم. و اگر آرزوی صدور انقلاب - و دمسیر و علمی تر - ترویج انقلاب خود را داریم و باید داشته باشیم، باید با حل مسائل مبتلا به جامعه خود، دیگر خلق های سیر و محروم و مستضعف جهان را به جنبش و حرکت و انقلاب تشویق کنیم.  
بانیگ بر سرشت صدام امپریالیستی و خلقی انقلاب خود همس داریم که این راه را از دست ما می برد و سبه امتحان آفرین خود را در رهائی خلق های

